

بررسی و مطالعه آرایه سنگ قبرهای قبرستان قاجاری شیخ وسو روستای ترجان سقز

اسماعیل سلیمی^I، جمیله صلح‌جو^{II}، ابوبکر عبدالله‌پور^{III}

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/NB.2021.21243.2103

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۰

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۳۵۴-۳۲۷

چکیده

I. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
salimi.esmaeil@yahoo.com
II. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی گروه باستان‌شناسی، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.
III. پژوهشگر آزاد، ایران.

نقوش تزئینی سنگ قبرها، بازخوردی از شرایط فرهنگی، اجتماعی و دینی است، که در قالب نقوش: حیوانی، گیاهی، هندسی، انسانی، کتیبه‌نگاری و نقوش نمادین تجلی می‌یابد. مطالعه کیفیات پیدا و پنهان قبرستان‌های تاریخی، به منظور درک بخشی از عوالم و روابط حاکم بر جوامع گذشته اهمیت زیادی دارد؛ چراکه از طریق تأمل در کیفیات محیطی این محوطه‌ها و هم‌چنین تحقیق در مواد فرهنگی پراکنده در محیط آن‌ها، می‌توان نقبی بر فهم برخی ناشناخته‌ها از پیشینه جوامع و درک زوایایی از ماهیت فکری غالب بر آن‌ها زد. در پژوهش پیش‌رو که به شیوه میدانی و به روش توصیفی و تحلیلی به انجام رسید، نقوش و آرایه‌های موجود بر روی سنگ قبرهای گورستان شیخ وسو در روستای ترجان شهرستان سقز، توصیف، طبقه‌بندی، طراحی، مستندنگاری و تحلیل شدند. هدف نوشتار حاضر این است که تا با اتکاء بر شواهد نوشتاری و باستان‌شناختی از جمله سنگ قبرهای گورستان مذکور به اهمیت و جایگاه سیاسی، اجتماعی و مذهبی روستای ترجان در دوره قاجاریه پی‌برد. فرض بر آن است که موقعیت سرحدی در بین گوردستان مکریان و اردلان به روستای ترجان در عصر قاجاریه اهمیت دوچندانی بخشید و با این‌که تاکنون هیچ‌گونه پژوهشی در ارتباط با این قبرستان صورت نگرفته است؛ لذا مطالعه و بررسی قبرستان مزبور می‌تواند، اهمیت این نوع آثار را در مطالعات باستان‌شناختی دوران اسلامی شهرستان سقز و به‌ویژه استان گوردستان نشان دهد. سنگ قبرهای، قبرستان تاریخی ترجان به‌عنوان یک نمونه در قالب یک جامعه آماری به‌لحاظ زمانی و ریخت‌شناسی قابل‌مقایسه با دیگر قبرستان‌های قاجاری و تزئینات معماری منطقه مکریان از جمله بوکان و مهاباد است. در این مقاله سعی خواهد شد تا به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که: افراد شاخص به خاک سپرده شده در این قبرستان چه کسانی بوده‌اند و در تاریخ این منطقه چه نقش یا جایگاهی داشته و مطالعه کتیبه‌های ادبی و نقش‌مایه‌های غنی سنگ قبرهای قبرستان شیخ وسو از لحاظ تنوع و کیفیت آثار، کدام نتایج مهم فرهنگی و اجتماعی عصر خویش را بازگو می‌کنند؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تعدادی از سنگ قبور با تزئینات قابل‌توجه موجود در این قبرستان متعلق به خاندان «قوج‌بیگ» و اشخاصی با پایگاه اجتماعی بالا در منطقه مکریان بوده‌اند و با توجه به آن‌که مطابق متون خاندان قوج‌بیگ دارای موقعیت ممتازی در سطح منطقه مکریان بوده‌اند؛ در نتیجه مشخص می‌شود که روستای ترجان نیز از اهمیت سیاسی و اجتماعی قابل‌توجهی در این زمان در سطح منطقه مذکور برخوردار بوده است.

کلیدواژگان: ترجان، قبرستان شیخ وسو، سنگ قبر، قوج‌بیگ، نورالنسا.

مقدمه

از بدو هستی تا به امروز، یکی از اساسی‌ترین تفکرات آدمی را مسأله مرگ و جهان پس از آن تشکیل داده، این بینش، در تمامی جوامع دارای مجموعه‌ای از نمودها و جلوه‌های گوناگون از آئین‌ها، مراسم و سرودها گرفته تا خلق آثاری هم‌چون مجسمه‌ها، نقاشی‌ها و آثار مصور است. یکی از اجزای لاینفک این تفکر در کلیه جوامع، که هم‌چون ابزاری اساسی برای نموده‌های عینی و معنوی آن به‌کار رفته، قبر و سنگ قبر است. قبرستان قاجاری شیخ وسو روستای ترجان از مهم‌ترین قبرستان‌های تاریخی ایران است که در استان گُردستان و در شهرستان سقز واقع شده که تاکنون درباره آن مطالعه‌ای صورت نگرفته، اما با این حال «سلیمی» و «صلح‌جو» در مقاله‌ای تحت عنوان: «بررسی و معرفی مسجد روستای ترجان سقز» اهمیت آن را گوش زد کرده‌اند (سلیمی و صلح‌جو، ۱۳۹۷: ۸۱). شرایط مناسب طبیعی و زیست‌محیطی از جمله آب کافی، هوای مناسب و خاک حاصل‌خیز سابقه سکونت انسان را در روستای ترجان حداقل به دوره مس‌وسنگ می‌رساند (زارع‌فر، ۱۳۹۷: ۷۹). در دوره صفویه هم‌زمان با به قدرت رسیدن «بوداق سلطان» بر ولایت مَکریان به مرکزیت «مه‌آباد» مناطق اطراف ترجان شامل: روستاهای کهریزه ایوبی، باغلوچه، هَبکی و شهریکند به‌عنوان موقوفات مسجد سور (سرخ) مه‌آباد، اهمیت درخور توجهی یافت (یوسفی و خلیلی، ۱۳۹۵: ۲۲۷). شواهد و مدارک نوشتاری هم‌چون اسناد و سنگ‌قبرها به‌عنوان یافته‌های باستان‌شناختی نشان می‌دهند که خاندان و نوادگان «عبدالله بیگ» فرزند «بوداق سلطان» مانند «احمد بیگ» و «قوج‌بیگ» هم‌زمان با حکومت «محمدشاه» (۱۲۵۱-۱۲۶۳ ه.ق.) و «ناصرالدین‌شاه» قاجار (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ه.ق.) در ترجان اقدام به احداث: عمارت اربابی، مسجد، کاریز و... می‌کنند (صمدی، ۱۳۷۳: ۲۰۶؛ شمیم، ۱۳۸۷: ۱۴۳). ضرورت انجام این پژوهش بدین دلیل است که تاکنون مطالعه‌ای منسجم و جامعی در ارتباط با قبرستان قاجاری روستای ترجان صورت نگرفته، در نوشتار حاضر که به شیوه مطالعات میدانی و به‌روش توصیفی و تحلیلی به انجام رسید، نقوش و آرایه‌های موجود بر روی سنگ‌قبرهای، قبرستان قاجاری ترجان توصیف، طبقه‌بندی، طراحی، مستندنگاری و تحلیل شدند. نتیجه این پژوهش مؤید آن است که قبرستان تاریخی ترجان متعلق به خاندان قوج‌بیگ و اشخاصی با پایگاه اجتماعی بالا در منطقه مَکریان بوده‌اند؛ به‌علاوه با اتکاء بر قبرستان مزبور می‌توان به اهمیت سیاسی و اجتماعی ترجان در دوره قاجاریه پی برد. بنابراین، هدف نوشتار حاضر این است تا با اتکاء بر شواهد نوشتاری و باستان‌شناختی از جمله سنگ‌قبرهای، قبرستان شیخ وسو به اهمیت و جایگاه سیاسی و مذهبی روستای ترجان در دوره قاجاریه بپردازد.

پرسش‌های پژوهش: ۱- افراد شاخص به خاک سپرده شده در این قبرستان چه کسانی بوده‌اند و در تاریخ این منطقه چه نقش یا جایگاهی داشته‌اند؟
 ۲- مطالعه‌ای کتیبه‌های ادبی و نقش‌مایه‌های غنی سنگ‌قبرهای قبرستان شیخ وسو از لحاظ تنوع و کیفیت، کدام نتایج مهم فرهنگی و اجتماعی عصر خویش را بازگو می‌کنند؟

روش پژوهش: گردآوری اطلاعات این مقاله به شیوه میدانی و روش پژوهش آن توصیفی و تحلیلی می‌باشد و نگارندگان در مطالعات میدانی به مطالعه، مستندنگاری، توصیف، مقایسه، طراحی و تحلیل سنگ‌قبرها پرداختند.

پیشینه پژوهشی

تاکنون هیچ‌گونه مطالعه‌ای منسجم و جامعی درمورد قبرستان تاریخی روستای ترجان به انجام نرسیده است. «علی‌خان والی» (۱۳۱۸-۱۲۹۶ ه.ق.) حکمران مَکریان^۱ و ساوجبلاغ^۲ در اواخر عصر «ناصرالدین‌شاه» و اوایل دوره «مظفردالدین‌شاه» قاجاریه که از منطقه دیدن کرده، نخستین شخصی است، که از روستای ترجان تصویری تهیه کرده، که جهت مطالعه مسجد، عمارت مالک روستا، محوطه‌ای باستانی و درخت کهن سال محدودۀ پاسگاه فعلی روستا بسیار درخور توجه است. علی‌خان در این تصویر از ترجان به‌عنوان قلمرو جغرافیایی ساوجبلاغ (مهاباد کنونی) و «ملک شیرخان بیگ مَکری» فرزند «محمدامین بیگ» نام برده است (www.harvard.edu).

«مینورسکی» در دوره قاجاریه در ارتباط با روستای ترجان نوشته است: «در نزدیکی بوکان و در سمت غرب آن حدود رودخانه سیمینه رود دهستان ترجان وجود دارد که نام آن به نظر می‌رسد، ایرانی باشد و ساکنان آن همگی گرد هستند؛ اما توپونیمی آن با ترکی ادغام شده است» (مینورسکی، ۲۰۰۶: ۵۳). مینورسکی در جای دیگر نوشته: «توپونیمی کنونی منطقه نشان از نفوذ ترک‌ها در شمال شرق و نفوذ کردها در غرب دارد. در شرق نیز آختاچی، بهی، ترجان و سقز واقع شده‌اند که دارای روستاهای گردنشین هستند، اما اسامی آن‌ها ترکی است» (مینورسکی، ۲۰۰۷: ۱۰۱). «رزم‌آرا» نیز نگاشته است: «تورجان دهی از دهستان تورجان، بخش بوکان شهرستان مهاباد که در ۳۳ کیلومتری جنوب غرب بوکان و ۲۰ کیلومتری غرب جاده شوسه بوکان به سقز واقع شده، این روستا در منطقۀ کوهستانی با آب‌وهوایی معتدل و مالاریائی قرار گرفته است، در حدود ۶۳۲ نفر که سنی مذهب و گرد زبان‌اند، جمعیت دارد. آب آن از رودخانه سیمینه رود تأمین می‌شود و دارای محصولاتمانند: غلات، حبوبات، توتون و ساکنان آن به زراعت و گل‌داری می‌پردازند، صنایع دستی آن جاجیم‌بافی، راه مال‌رو دارد و دارای یک دبستان است» (رزم‌آرا، ۱۳۳۰: ۱۳۸). «افخمی» نیز در دوره پهلوی «ترجان را به همراه بهی، آختاچی، گورک مَکری، شهرویران، ایل تیمور، منگور و لاهیجان از دهستان‌های مهاباد ذکر کرده است» (افخمی، ۱۳۷۳: ۶). «ترجانی‌زاده» از معلم یهودیان در ترجان یاد کرده (ترجانی‌زاده، ۱۳۳۵: ۳۴) که نشان می‌دهد علاوه بر کردها، یهودیان نیز در این روستا سکونت داشته‌اند. «شافعی» نقل کرده: «ترجان روستای در دهستانی به همین نام که تحت اداره شهرستان سقز و در ۵۴ کیلومتری غرب آن و ۲۰ کیلومتری روستای باغلوچه قرار گرفته، هوای ترجان کوهستانی و سردسیر با ۱۵۱ خانوار و ۸۹۵ نفر که سنی مذهب و گرد زبان هستند. آب آن از رودخانه و چشمه‌های سرد تأمین می‌شود. کوه‌ها، دشت‌ها و کمرکش‌های ترجان محل تولید غلات، حبوبات، میوه، روغن و پشم است. مردم ترجان، معیشتی

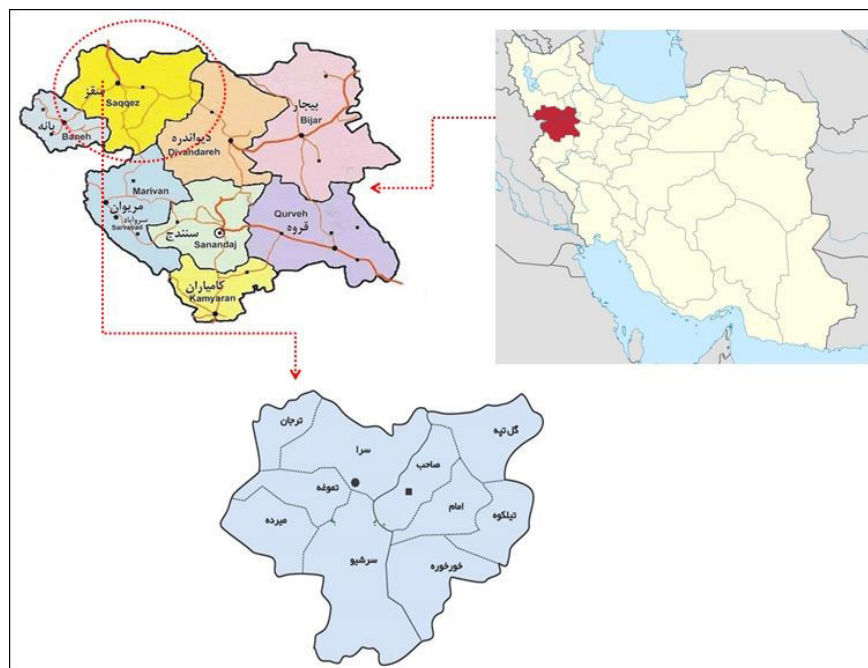
مبنتی بر کشاورزی و دام‌داری دارند و جاجیم و بوزو^۳ از صنایع دستی آنجاست. ترجان دارای دو مسجد جامع و ملاوسو (یوسف) و تعدادی قبر شخصیت مذهبی هم‌چون: «ملاعلی قزلجی»، «عبدالحمید» و «حاجی باباشیخ» است. این روستا در زمان مرحوم قوج‌بیگ و همسر خیر و نیکوکار آن «نورالنساء» دارای مدرسه علمی بوده که هر ساله هفتاد طلبه در آن به تحصیل می‌پرداختند و موفق به گرفتن مدرک از آن می‌شدند (شافعی، ۱۳۷۸: ۵۹۵) و بزرگانی هم‌چون: «مُلا عبدالله پیره‌باب»، «مُلا عبدالرحمن پینجوینی»، «سید حسن چوری»، «مُلا عبدالله داغستانی» در مدرسه ترجان به درجه استادی رسیدند (ترجانی‌زاده، ۱۳۳۵: ۴۶-۴۰).

مطالعات انجام‌شده درباره روستای ترجان بیشتر بر روی مسجد تاریخی آن متمرکز شده است؛ بدین صورت که بنای مسجد مزبور در سال ۱۳۸۱ ه.ش. و با شماره ۶۸۹۳ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است (آرشیو میراث فرهنگی استان کردستان، ۱۳۸۱). «گونه‌شناسی تحلیلی مساجد تاریخی حوزه فرهنگی گردستان ایران» (خادم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۴-۱۰۳)، «باز نمود معماری ایرانی-اسلامی در مساجد دوره قاجار شهر سقز (مطالعه موردی مساجد دومانار، شیخ مظفر و مسجد ترجان)» (احمدی و همکاران، ۱۳۹۴ الف: ۱۳-۱)، «بررسی محتوا و تزئینات کتیبه حمام خان سنندج و مسجد روستای ترجان» (احمدی و همکاران، ۱۳۹۴ ب: ۱۲-۱)، «دارالعلم ترجان» (ترجانی‌زاده، ۱۳۳۵: ۵۳-۲۹)، «سیمای میراث فرهنگی» (زارعی، ۱۳۸۱: ۸۸) و آثار فرهنگی، باستانی و تاریخی استان گردستان (زارعی، ۱۳۹۲: ۱۴۳-۱۴۰) از مطالعاتی هستند که به صورت مختصر به بنای مسجد ترجان پرداخته‌اند. «شیرکو تورجانی» و «منصور محمودنژاد» در ماهنامه مه‌آباد و به‌یاد به صورت مختصر به معرفی ترجان، کوه‌های اطراف روستا، مسجد و عمارت اربابی، و شخصیت‌های علمی آن اشاره کرده‌اند (تورجانی، ۱۳۹۸: ۵۰-۴۶؛ محمودنژاد، ۱۳۹۷: ۷۲-۷۱). «بررسی و معرفی مسجد روستای سقز» از بارزترین پژوهش‌های صورت‌گرفته در ارتباط با روستا و بنای مسجد ترجان است (سلیمی و صلح‌جو، ۱۳۹۷: ۹۶-۸۷) که در آن نویسندگان به تفصیل به معرفی روستا و بنای مسجد ترجان و نقش مذهبی و آموزشی آن در منطقه مَکریان پرداخته‌اند.

جغرافیای ترجان

روستای ترجان در کشور ایران، در استان گردستان، در شهرستان سقز، در بخش مرکزی، در دهستانی به‌همین نام در ۵۴ کیلومتری شهر سقز و ۳۰ کیلومتری شهر بوکان با مختصات جغرافیایی ۳۶ درجه و ۱۹ دقیقه و ۹۲٫۳ ثانیه عرض و ۴۶ درجه و ۲ دقیقه و ۴۸٫۰ ثانیه طول جغرافیایی در ارتفاع ۱۸۵۵ متری از سطح آب‌های آزاد واقع شده، به‌بیان دیگر ترجان از شمال به روستاهای قازانتا و شیلان‌آباد، از جنوب به بوبوکتان، از شرق به هم‌میله و از غرب به اینچکه محدود است. ترجان در حدود ۱۷۰ خانوار و ۸۰۰ نفر جمعیت دارد. مردم ترجان گرد زبان و سنی مذهب (شافعی) هستند (سلیمی و صلح‌جو، ۱۳۹۷: ۷۹-۸۰)، (نقشه ۱).

ترجان در سلسله‌کوه‌های زاگرس شمالی و در کوه‌پایه‌ای کوه «وستا» (استاد)



► نقشه ۱. موقعیت سیاسی و جغرافیایی روستای ترجان سقز در استان کردستان و کشور ایران (نگارندگان، ۱۳۹۸).

مصطفی» با ارتفاع ۲۲۴۰ متر و به فاصله‌ای ۳ کیلومتری غرب رودخانه سیمینه‌رود واقع شده، ترجان دارای تابستان‌های گرم و خشک و زمستان‌های سرد و معتدل است. در فصول پاییز، زمستان و بهار نزولات جوی به صورت برف و باران، و تگرگ فرومی‌ریزند که در رشد و نمو گیاهان و درختان تأثیر بسزایی دارند. کوه وستا مصطفی از بارزترین برجستگی‌های منطقه است که نقش مهمی در تأمین آب‌های سطحی و زیرزمینی چشمه‌های قونگره، سپی، رودخانه سیمینه‌رود و فعالیت‌های کشاورزی در پایین دست خود دارد. ترجان دارای پوشش گیاهی غنی جهت نگه‌داری احشام و چهارپایان اهلی، مانند: گوسفند، بز، گاو، الاغ، اسب و... است. علاوه بر حیوانات اهلی، حیوانات وحشی هم چون: گرگ، روباه، گراز، خرگوش، عقاب، شاهین، کبک، هُدُهد، مار و عقرب به حد وفور در روستای ترجان، ارتفاعات کوه وستا مصطفی و مناطق اطراف یافت می‌شوند. به علاوه گیاهان خوراکی نظیر: گنگر، ریواس، قارچ و میوه‌ای درختان خودرو هم چون: زالزالک، گلابی و زُرو وحشی جهت خوراک و مصارف طب سنتی توسط مردم محل در بازار شهرهای بوکان و سقز به فروش می‌رسند. ترجان به علت خاک حاصل خیز، هوای مناسب و منابع آب کافی، کشاورزی در آن به صورت دیم و آبی صورت می‌گیرد و ساکنان بومی بیشتر اقدام به کشت غلات، حبوبات، صیفی جات، سبزی جات، یونجه، ذرت، چغندر قند و... می‌کنند. به طور کلی می‌توان گفت خاک حاصل خیز، آب کافی، هوای مطلوب، پوشش گیاهی و جانوری غنی، موقعیت ایده‌آل ارتباطی بین زاگرس شمالی (آذربایجان) و مرکزی (کردستان) از سکونت و یک‌جانشینی انسان در این بخش از کردستان و ایران از دوره مس‌وسنگ تا عصر حاضر نقش کلیدی داشته است (سلیمی و صلح‌جو، ۱۳۹۷: ۷۹-۸۰).

شواهد باستان‌شناسی

ترجان از مهم‌ترین و بارزترین روستاهای تاریخی استان گُردستان در شهرستان سقز است که به دلیل نزدیکی به رودخانه سیمینه‌رود، واقع شدن در منطقه کوهستانی با طبیعت بکر و چشمه‌سارهای متعدد و نقش آن به عنوان پل ارتباطی، بین گُردستان مَکریان و اردلان (حسن‌زاده، ۱۳۹۶: ۷۲) از دوره پیش‌تاریخ تاکنون در مطالعات باستان‌شناسی ایران دارای جایگاه ممتازی بوده است. در ضلع غربی روستای کنونی ترجان محوطه‌ای تحت عنوان «قه‌لا» (قلعه) به طول و عرض ۶۸×۵۳ متر با ارتفاع ۱۲ متر از سطح زمین‌های اطراف وجود دارد (تصویر ۱). محوطه مزبور از سه طرف توسط زمین‌های کشاورزی و خانه‌های مسکونی محصور و از سمت ضلع غربی با ایجاد جاده بریده شده، در شمال محوطه چشمه‌ای موسوم به «قونگره» وجود دارد که به احتمال زیاد در شکل‌گیری یک جانشینی در این روستا از دوره مس‌وسنگ (۴۵۰۰-۳۰۰۰ پ.م.) تا عصر حاضر نقش کلیدی داشته است. اهالی روستا معتقدند در دوره قاجاریه، قوج‌بیگ از نوادگان «بوداق سلطان» بنیان‌گذار شهر مهاباد مالک روستای ترجان به مردم ترجان و روستاهای اطراف دستور داده تا گونی‌های خاک را به این محل حمل و آن را بر روی هم قرار دهند تا عمارت خود را بر روی آن احداث کند؛ با این حال، بررسی‌های صورت‌گرفته توسط «فاتح زارع‌فر» سابقه سکونت در این روستا و محوطه ترجان را به دوره‌های مس‌وسنگ، مفرغ، آهن، تاریخی و اسلامی می‌رساند (زارع‌فر، ۱۳۹۷: ۷۹).



تصویر ۱. نمای از ضلع شمالی روستای ترجان و محوطه‌ای باستانی آن (سلیمی و صلح‌جو، ۱۳۹۷: ۹۴).

با اداره روستای ترجان توسط قوج‌بیگ، اهمیت ترجان به عنوان مرکز بخشی به همین نام دو چندان گردید. قوج‌بیگ در ابتدا اقدام به ایجاد خانه‌ای اربابی یا عمارت بر روی محوطه‌ای باستانی ترجان کرد که اکنون اثری از آن باقی‌نمانده است (تصویر ۲).

با ایجاد عمارت یا در اصطلاح محلی قه‌لا (قلعه) توسط قوج‌بیگ، و با اتکاء بر کتیبه مسجد (مدرسه) ترجان همسر ایشان، نورالنساء معروف به «خانمه چکوله (خانم کوچک)» با هزینه‌ای شخصی خود بنا نهادن مسجد (مدرسه) ترجان را در



► تصویر ۲. عکس علی‌خان والی از روستای ترجان و موقعیت مسجد و عمارت اربابی آن .(www.harvard.edu)

سال ۱۲۵۸ ه.ق. هم‌زمان با حکومت «محمدشاه قاجار» را پی‌ریزی می‌کند (تصویر ۳) و در ادامه به وقف روستاهای قافل‌آباد، شیلان‌آباد، قازلیان و آسیاب خاتوته جهت هزینه و خرج مدرسان و طلبه‌ها می‌پردازد (سلیمی و صلح‌جو، ۱۳۹۷: ۸۴). با احداث مسجد (مدرسه) توسط نورالنساء، محمدامین بیگ، «مولانا علی قزلیجی» از مشهورترین روحانیون عصر قاجاریه در کردستان، که مورد توجه بسیاری از قبایل بود، جهت تدریس علوم دینی رهسپار روستای ترجان می‌شود (شافعی، ۱۳۷۸: ۴۵۵) و مسجد (مدرسه) ترجان به صورت دارالعلمی درمی‌آید که در آن علاوه بر طلبه‌های مناطق اطراف، طلبه‌های از کردستان عراق، داغستان و قفقاز و دیگر مناطق سنی‌نشین ایران، از جمله طالبش و حتی زنان نیز در آن به فراگیری علوم عقلی، نقلی، ریاضی، فلکی و... مشغول بودند و لطایف و بدیهه‌گویی نیز در این مدرسه مورد مذاکره و مباحثه قرار می‌گرفت (ترجانی‌زاده، ۱۳۳۵: ۵۰؛ افخمی، ۱۳۶۴: ۲۴۹-۲۴۵). با به اتمام رسیدن دروس در مدت هفت تا نه سال، مدرسین مدرسه از طلبه‌ها امتحان نهایی اخذ و با قبولی، به آن‌ها مدرکی تحت عنوان «اجازه» داده می‌شد و طلبه‌ها با دریافت آن حق مدرسی و امامت در مدرسه‌های دینی روستاها و دیگر شهرهای کردستان را داشتند و در واقع اخذ اجازه علمی از این دارالعلم، همانند گرفتن مدارک علمی از دانشگاه‌های معتبر کنونی بود (حسن‌زاده، ۱۳۹۶: ۷۳) و در واقع اهمیت مدرسه ترجان چنان بوده که مظفرالدین‌شاه هنگام ملاقات «محمد مفتی» از وضعیت آن جو یا شده است (ترجانی‌زاده، ۱۳۳۵: ۵۰). علاوه بر تپه باستانی، مسجد و قبرستان تاریخی ترجان می‌توان به حمام و آسیاب آن اشاره کرد که اکنون آثاری از آن‌ها باقی‌نمانده است.

قبرستان شیخ وسو ترجان

قبرستان تاریخی ترجان که در حال حاضر نیز مورد استفاده اهالی روستای ترجان

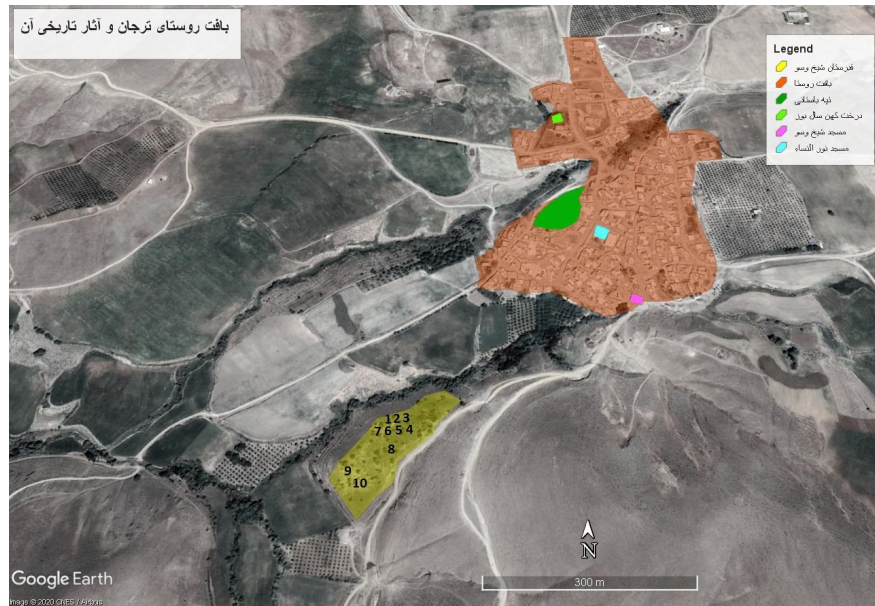


تصویر ۳. نمای از مسجد (مدرسه) تاریخی روستای ترجان سقز از سمت جنوب (نگارندگان، ۱۳۹۸).

است در جنوب‌غربی روستا و کنار جاده خاکی منتهی به زمین‌های کشاورزی بر فراز تپه‌ای بلند و رفیع با مختصات. ZONE: 38S - E: 591083. 66m - N: 4020036. 38 m واقع شده، و در حدود ۱/۵ هکتار مساحت و ۵۰ متر بالاتر از زمین ضلع شمالی ارتفاع دارد (تصویر ۴).

تاکنون هیچ‌گونه مطالعه‌ای در ارتباط با قبرستان تاریخی ترجان به انجام نرسیده است. افخمی، تنها به آوردن تصویری از قبر مولانا علی قزلیجی مدرس مسجد ترجان در کتاب تاریخ فرهنگ و ادب مکریان، بوکان اکتفا کرده (افخمی، ۱۳۶۴: ۲۵۴) که اکنون به کلی از بین رفته است. سلیمی و صلح‌جو نیز اهمیت قبرستان ترجان را گوش‌زد کرده‌اند (سلیمی و صلح‌جو، ۱۳۹۷: ۸۱). شیخ وسو که قبرستان گردستان مکریان و ترجان بوده که درباره زندگی و اقدامات ایشان اطلاعات چندانی در دست نیست. طبق گفته تورجانی در دوره «نادرشاه افشار» شیخ وسو (یوسف) بنای مسجدی در روستای ترجان بنا می‌نهد (تورجانی، ۱۳۹۸: ۴۸) که اکنون از هسته‌ای اولیه آن آثار چندانی باقی‌نمانده (شافعی، ۱۳۷۸: ۵۹۵) و جدیداً بازسازی شده است. در روستای قالوی رسول آقا شهر بوکان نیز باغی وسیع به نام شیخ وسو وجود دارد. مردم محلی در ترجان و قالوی رسول آقا معتقدند که پیکر شیخ وسو به دو قسمت شده؛ بدین صورت که سر ایشان در قبرستان ترجان و جسد وی نیز در باغ قالوی رسول آقا به خاک سپرده شده است؛ آن‌گونه که در اکثر قبرستان‌های تاریخی گردستان معمول است. ساکنان روستای ترجان نیز از گذشته‌های دور در داخل قبرستان اقدام به کاشتن درختانی نظیر بادام و بوز (نارون) و گیاهانی نظیر شش‌پر کرده‌اند. محدوده قبرستان به دلیل عدم ورود دام‌ها و به دلیل احترامی که در نزد اهالی روستا برخوردار است، دارای پوشش گیاهی غنی می‌باشد.

به‌طورکلی قبرستان شیخ وسو دارای ۱۰ قبر تاریخی که در این بین ۸ قبر متعلق به خانواده قوج‌بیگ با سنگ‌قبرهای فاخر به فرم مخروطی، همانند نمونه‌های روستاهای گردیگلان سقز و پیربادین بوکان است؛ علاوه بر این قبرها، قبور اشخاص متنفذ دیگری نظیر مولانا علی قزلیجی، شیخ وسو و ... در قبرستان ترجان بوده، که



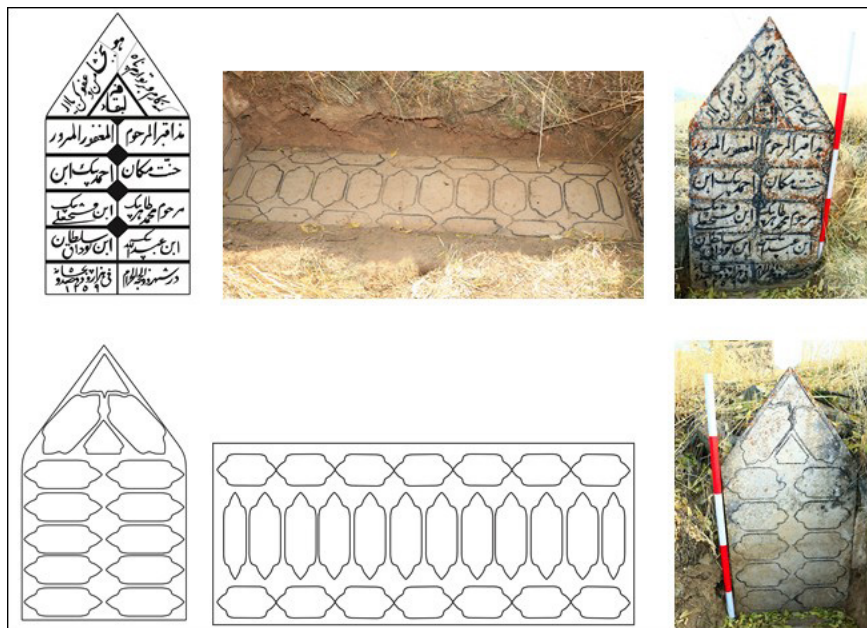
► تصویر ۴. تصویر هوایی از بافت روستای ترجان سقزو و موقعیت قبرها در قبرستان تاریخی آن (Google Earth: 2020).

اکنون از ساختار اولیه و تاریخی آن‌ها اثری نیست. آن‌چنان‌که پیداست حجاران در انتخاب سنگ‌ها دقت لازم را کرده‌اند که شرایط آب‌وهوایی کوهستانی منطقه نظیر ترجان را داشته باشد، در نتیجه حجاران از سنگ‌های معدن تراورتن روستای زنبیل به فاصله‌ای ۶ کیلومتری ترجان استفاده کرده‌اند. بدون شک خط و کتابت یکی از مهم‌ترین موضوعات تزئینی و بارزترین وسیله و عامل هنرنمایی بوده است؛ خطوطی که در سنگ‌نوشته‌های ترجان به‌کار رفته شامل نستعلیق و ثلث است. هنرمندان سنگ‌قبرهای ترجان برای مردمی کردن آثار خود و رابطه میان هنر و عقاید دینی، از تصاویر و خطوط کمک گرفته و نوک قلم را بر سنگ بی‌جان کشیده و روح و طراوت به آن بخشیده‌اند. نقش‌مایه‌های سنگ‌قبرستان شیخ وسو ترجان را می‌توان به سه گروه: گیاهی (گل و بوته)، هندسی (محراب) و کتیبه‌ای تقسیم‌بندی کرد؛ نقش‌مایه‌های کتیبه‌ای در سه بخش: سرلوح، متن و حواشی بر سنگ‌قبرها نقش بسته است.

قبر احمد بیگ

قبر احمد بیگ (که در تصویر ۴ با شماره ۱ مشخص شده) دارای دو سنگ‌قبر ایستاده در دو ضلع شمالی و جنوبی و یک سنگ‌قبر افقی در میان آن‌ها است. سنگ‌قبر اصلی که شخص احمد بیگ را معرفی می‌کند، ۱۰۲ سانتی‌متر ارتفاع، ۵۰ سانتی‌متر عرض و ۷ سانتی‌متر ضخامت دارد. این سنگ‌قبر از چهار بخش تشکیل شده که هرکدام از بخش‌ها به وسیله نقوش هندسی (محراب) و ترنج‌ها از هم‌دیگر جدا می‌شوند. در بالاترین قسمت کلمه «هو» و در پایین آن «البقاء الله» و در دو طرف آن عبارت «گنه کارم و بر تو آرم پناه / بیخشا من و عفوکن یاالله» نقش بسته که با پایان یافتن آن نوشته‌ای «هذا قبر المرحوم / المغفور المبرور / جنت مکان / احمد بیگ ابن / مرحوم محمد طاهربیگ / ابن فتحعلی بیگ / ابن عبدالله بیگ / ابن

بوداق سلطان / در شهر ذوالحجه الحرام / فی هزار و دوصد و پنجاه نه ۱۲۵۹» حک شده است. سنگ قبر ضلع جنوبی ۹۸ سانتی متر ارتفاع، ۵۰ سانتی متر عرض و ۶ سانتی متر ضخامت دارد که همانند سنگ قبر اصلی (ضلع شمالی) از نقوش هندسی (محراب) و ترنج‌های تزئینی تشکیل شده، اما بر روی آن هیچ عبارتی نوشته نشده است. سنگ قبر میانی نیز ۱/۷۱ متر طول و ۴۵ سانتی متر عرض دارد که دارای نقوش هندسی و بدون نوشته است (تصویر ۵).



تصویر ۵. تصویر و طرح سنگ‌قبرهای احمد بیگ (نگارندگان، ۱۳۹۸).

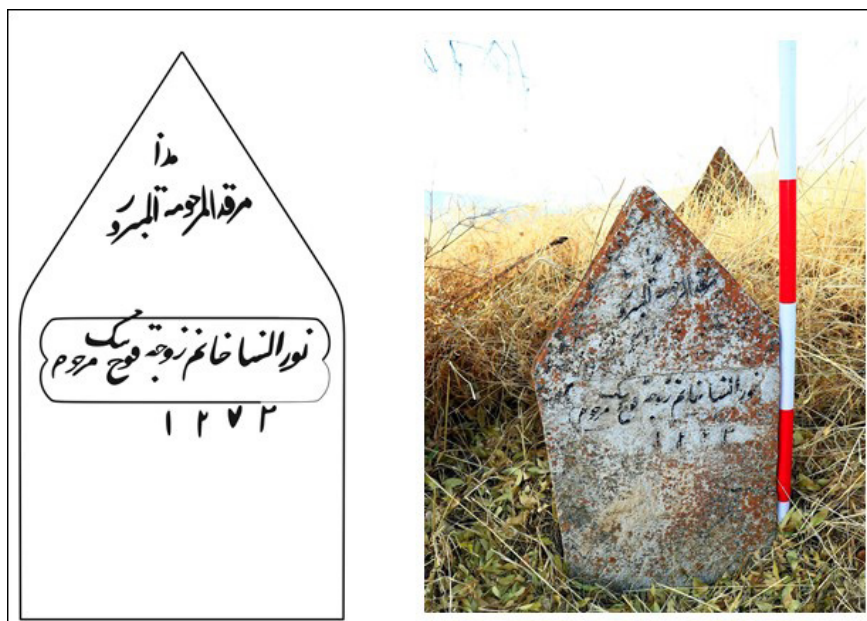
قبر مؤمن بیگ

قبر مؤمن بیگ (که در تصویر ۴ با شماره ۲ مشخص شده) شامل دو سنگ قبر ایستاده و یک سنگ قبر افقی است که تنها روی سنگ قبر ضلع شمالی نوشته وجود دارد و دو سنگ دیگر ساده و عاری از هر نوشته و نقشی هستند. سنگ قبر اصلی ۱/۱۸ متر ارتفاع، ۵۰ سانتی متر عرض و ۷ سانتی متر ضخامت دارد و از چهار قسمت با نقوش هندسی (محراب) تشکیل شده که در بالاترین بخش آن نقش گل با مضمون «هو» و در پایین آن «الله الباقی» و در دو سمت و پایین آن ابیاتی با این عبارت «فلک از من چه می‌خواهی جوانم / نه دنیا دیده‌ام و نه شاد کامم / برو تو دامن صد ساله را گیر / چو نوبت می‌رسد من هم غلامم». با به اتمام رسیدن این ابیات نوشته‌ای بدین صورت: «هذا مرقد مرحوم المبرور المغفور مؤمن بیگ ابن ابوسعید بیگ بابامیری ۱۲۶۷» حک شده است (تصویر ۶).

قبر محمد رحیم بیگ

قبر محمد رحیم بیگ (که در تصویر ۴ با شماره ۳ مشخص شده) از سه سنگ قبر آن فقط دو سنگ ایستاده قابل مشاهده است. سنگ قبر میانی (سنگ افقی) به علت پرشدگی در خاک مدفون شده، سنگ قبر اصلی که شخص محمد رحیم بیگ

کادر هندسی عبارت: «هذا مرقد المرحومه المبرور»، «نور النسا خانم زوجه قوج بیگ مرحوم ۱۲۷۲» نوشته شده است (تصویر ۸). سنگ قبر ضلع جنوبی ۵۸ سانتی‌متر ارتفاع، ۴۱ سانتی‌متر عرض و ۸ سانتی‌متر ضخامت دارد و عاری از هر نوع نقش و نگار است.



تصویر ۸. تصویر و طرح سنگ قبر نور النساء خانم (نگارندگان، ۱۳۹۸).

قبر محمد حسن بیگ

قبر محمد حسن بیگ (که در تصویر ۴ با شماره ۵ مشخص شده) دارای سه سنگ قبر که روی سنگ قبر ضلع شمالی به ارتفاع ۱/۴۷ متر، عرض ۵۲ سانتی‌متر و ضخامت ۹ سانتی‌متر در داخل نقوش هندسی (محراب) این ابیات نوشته شده: «ای دل فغان برار که آرام جان برفت / وی دیده خون بیار که نور بصر نماند / جهان جام و فلک ساقی، اجل می / خلائق باده نوش از مجلس وی / خلاصی نیست اصلاً هیچکس را / ازین جام و ازین ساقی و زین می / گرمی گنه روی جهان کردستم / عفو تو امید است که گیرد دستم / گفتمی که بروز عجز دستت گیرم / عاجزتر از این مخواه کاکنون هستم / ای بدر ماندگی پناه همه / کرم توست عذر خواه همه / یارب تو بفریاد من بیکس رس / لطف و کرمت یار من بیکس بس / بسی تیر و دیمه و اردی بهشت / بیایند ما خاک باشیم و خشت / هذا قبر المرحوم المبرور محمد حسن بگ / ابن عالیجاه قوج بیگ / ابن احمد بیگ ابن محمد طاهر بیگ / ابن عبدالله بیگ اخفا و جنت مکان / بداق سلطان غفر ذنوبهم / فی سنه الف و مائین ثمان و خمسين». روی سنگ قبر جنوبی به ارتفاع ۱/۴۲ متر، عرض ۵۲ سانتی‌متر و ضخامت ۱۰ سانتی‌متر در داخل نقوش هندسی (محراب) این ابیات از رباعیات ابوالسعید ابوالخیر، هفت اورنگ جامی و بوستان سعدی نوشته شده است: «اگر تو در چمن روزگار همچو گلی / دمیده بر سر گور تو خار خواهد بود / دارم گنهی زقطره باران بیش / از شرم گنه فکنده ام سر در پیش / آواز آمد که غم مخور ای درویش /

ما در خور خود کنیم تو در خور خویش / دو بیتم جگر کرد روزی کباب / که میگفت گوینده یا رباب / دریغا که پیما بسی روزگار / بروید گل و بشکفد لاله زار / یا رب بکرم بر من درویش بنگر / بر حال من خسته دلریش نگر / هر چند نیم لایق بخشایش تو / بر من منگر بر کرم خویش نگر / گناه من اگر از حد برون است / هزاران بار از آن فضلت فزونست / ای اقلیم وجود تو لوح عدم / تصویر نکویت ما کرده رقم / از رحمت خود نامه سیاهی مرا / مستغنیم از هر دو جهان کن زکرم / ترا به تخته تابوت در کشید از بخت / اگر حزینم، لشکر هزار خواهد بود». بر سنگ قبر افقی در داخل نقوش هندسی (محراب) و در دو سمت اشعاری با رباعیاتی از «ابوالسعید ابوالخیر» و هفت‌اورنگ «جامی» در وصف «یوسف و زلیخا»: «هر کس بکسی و حضرتی می‌نازد / جز حضرت تو ندارد این بیکس کس / یا رب بدو شمع خاندان حیدر / یا رب بدو نور دیده پیغمبر / بر حال من از عین عنایت بنگر / دارم نظر آنکه نیفتم ز نظر / یا رب زکرم دری برویم بگشای / راهی که درو نجات باشد بنمای / بنده از تو پناه می‌طلبد / ای پناه من و پناه همه / نومید مکن زبرت لوح و قلم / ای از قلم وجود بر لوح عدم / اگر باشد ز عصیان صد کتابم / توانی شستن از چشم پیر آمیم / و گر باشد دو صد خرمن گناهم / توانی سوختن از برق اهم» و در مرکز این ابیات نیز در داخل نقوش هندسی (محراب) شعری از «ابن فهد حلی»^۴: «؟ یا مَنْ یَرِی ما فی الضَّمیر و یَسْمَعُ المُعَدُّ لِكُلِّ ما یَتَوَقَّع / یا مَنْ یُرْجِی فی الشَّدائِدِ کُلِّها / یا مَنْ اِلیه المُّشْتکی و المَفْرَع / حاشا لِمَجْدک ان تُقْنِطَ عاصِیا / و الفِضْل اَجْزَلُ و المَواهب اَوْسَع / مالی سوی قَرعی لِبابک حیلَه / فَلَئِنْ رَدَدتْ فائِیْ باب اَقْرَع /؟» نوشته شده است (تصویر ۹).



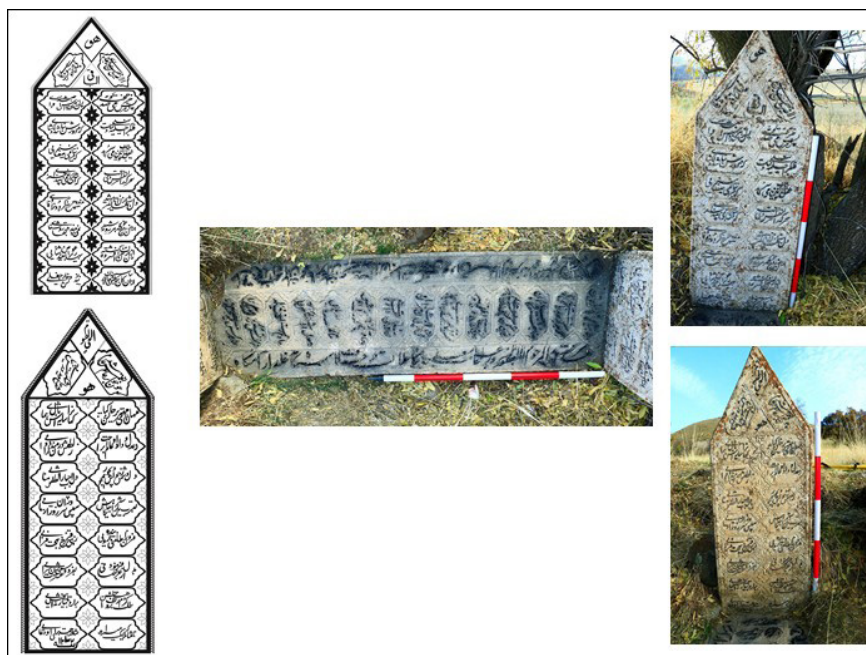
► تصویر ۹. تصویر و طرح سنگ‌قبرهای محمد حسن بیگ (نگارندگان، ۱۳۹۸).

قبر قوج بیگ

قبر قوج بیگ (که در تصویر ۴ با شماره ۶ مشخص شده) نیز از دو سنگ قبر عمودی و یک سنگ قبر افقی تشکیل شده است. روی سنگ قبر اصلی به ارتفاع ۱/۳۴ متر و عرض ۵۰ سانتی متر و ضخامت ۸ سانتی متر در داخل نقوش هندسی (محراب) که به وسیله نقوش گیاهی از هم جدا شده‌اند در بالاترین قسمت «هو» و در پایین آن و در دو سمت «الباقی» و «الا عیش جهان را به بقایی / پی شادی مردو عشرت بلایی» نوشته شده است. در پایین دو مصرع مزبور این ابیات نگاشته شده: «پس از هر خرمی صدگونه محنت / پس از هر خنده‌اش صد آه و وایی / فلک را جامه نیلی لیاد است / که در دورش نباشد دلگشایی / شفق با اشک خونین می‌سراید / که دنیا را نمی‌بینم صفایی / سحرگه را نفس سردی از آنست / که شادی را غمی بیند جزایی / دل شبها از آن تاریک‌تر شد / ندیده چرخ گردون را وفایی / از آن رخ زرد شد هر روز خورشید / نمی‌بیند بقا در روشنایی / از آن برگ خزان افسرده گشته / بهاری را عوض بیند شتایی / از آن سینه گل بگلشن خاک آید / فرو آید دلش، خار جفایی». روی سنگ قبر ضلع جنوبی به ارتفاع ۱/۳۴ متر، عرض ۴۸ سانتی متر و ضخامت ۷ سانتی متر همانند سنگ قبر اصلی در داخل نقوش هندسی (محراب) که به وسیله نقوش گیاهی از هم جدا شده‌اند، ابیاتی با این مضمون حک شده: «چون خوان نعمتش بر عام شد عام / شدن جاوید در لشکرش ثنایی / مهان را مهتری بر خاکپایش / که آن را سایه‌اش بال همایی / ز عدل و داد او عالم براحت / ز لطفش دردمندان را دوائی / دل دشمن ز حولش همچو دیجور / دل احباب را لطفش نمایی / بقرب شهریاران جایگاهش / به پیش سروران زور آزمایی / فزون را طلعتی تابنده رویی / زهی رخ فرخی بهجت خزایی / بدل فرمود از عز جهانی / بفرودوس برین عشرت سرایی / طلب کردم زهاتف رهایش / برآرد تا بتاریخش ندایی / بگفتا که ملایک می‌سراید / شده رحمت برای او دعایی سنه ۱۲۷۲». بر روی سنگ قبر افقی با طول ۱/۶۰ سانتی متر میان دو سنگ قبر عمودی در داخل نقوش هندسی (محراب) عبارتی در ارتباط با موقعیت و جایگاه قوج بیگ با سال فوت آن که خواندن و طراحی آن مشکل بود، نوشته شده است (تصویر ۱۰).

قبر محمد رشید بیگ

قبر محمد رشید بیگ (که در تصویر ۴ با شماره ۷ مشخص شده) نیز شامل دو سنگ قبر ایستاده و یک سنگ قبر افقی است. سنگ قبر اصلی ۱/۶۷ متر ارتفاع، ۵۲ سانتی متر عرض و ۹ سانتی متر ضخامت دارد. روی سنگ قبر مزبور در داخل نقوش هندسی (محراب) عبارت «هو» در پایین آن «الباقی» و در سمت الباقی ابیات: «از جفای چرخ پیر فغان / نکنند فرق زپیر و ز جوان» نگذارد که پنج روز کسی / شادمان عمر را کند گذران / سعی او دایماً چنین باشد. ناگهان مردمان کند گریان / نوجوانی که مثل و مانندش. در جهان هیچکس ندیده نشان / شهسواری که دیده چون زالی. صد چو رستم بعرضه میدان / در جوان مردیش بجان کشته. صد چو حاتم همیشه مدحت خوان / ناگهان آن نهان نور سرا. از قضا فصل دی رسید خزان / بود او آفتاب

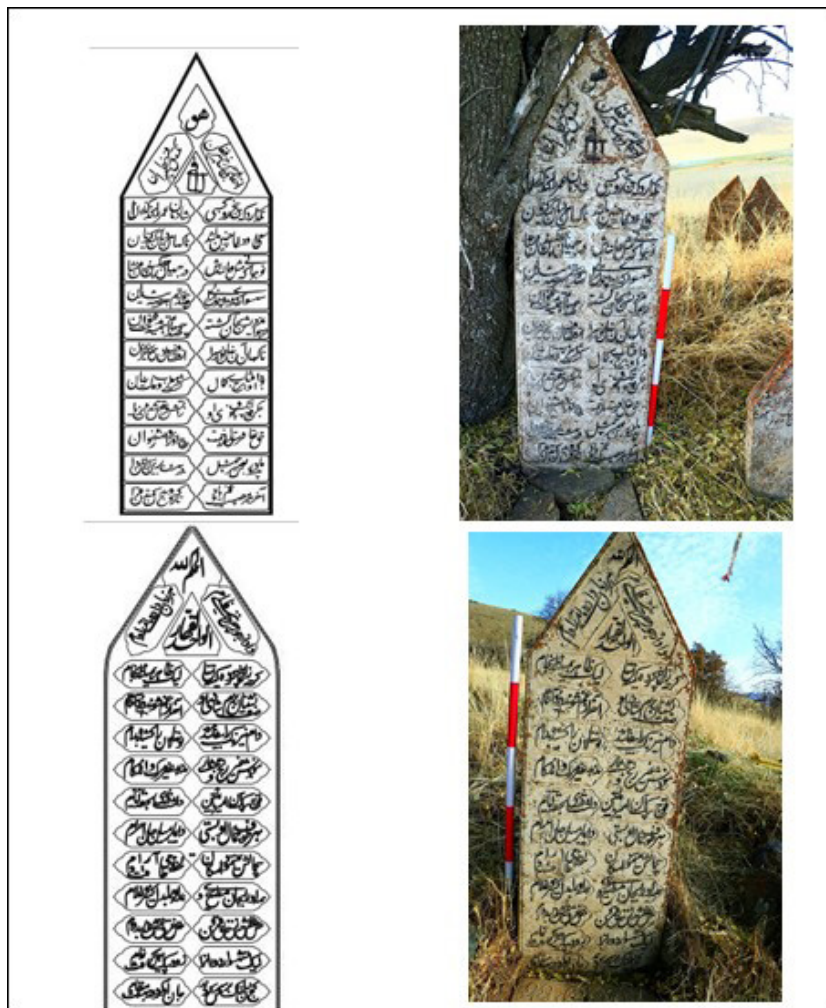


► تصویر ۱۰. تصویر و طرح سنگ‌قبرهای قوج‌بیگ (نگارندگان، ۱۳۹۸).

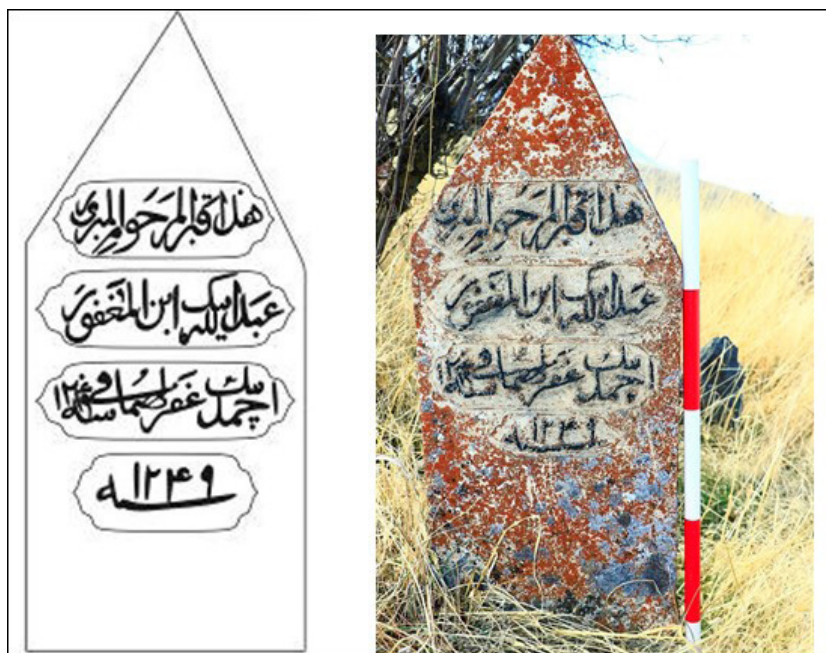
برج کمال. گشت در مغرب وفات نهان / جگر قوج‌بیگ و بانوی او. زاتش فرقتش شده بریان / حق تعالی فرستد از رحمت. روح او را به روضه رضوان / پدر و مادرش بصبر جمیل. در بهشت برین کند شادان / تا که روح و بدن کشد قران». سنگ قبر ضلع جنوبی به ارتفاع ۱/۵۷ متر، عرض ۵۳ و ضخامت ۷ سانتی‌متر همانند سنگ قبر در داخل نقوش هندسی (محراب) دارای این ابیات است: «داد از جور چرخ نیلی فام. هر زمان داده ماتمی را وام / گرچه زآغاز کرده کیسه نهان. لیک ظاهر همی‌کند انجام / صف نشینان بزم شادی او. آخر از غم شوند درد آشام / دام نیرنگ را بیفکنده. نونهالان را کشیده بدام / نبودش غیر رنج و محنت بار. ندهد غیر مرگ و اندوه کام / قوج‌بیگ آن امیر با تمکین. داشت دری بحقه ایام / بهر طواف جمال او بستنی. دایماً بر میان جان احرام / بی‌جمالش نمینمود امکان. لحظه آدمی طاقت و آرام / همه او را بجان مطیع و رهی. همه او را بدل کنیز و غلام / حسن خلقش زحسن خلق فزون. خلق غرق عنایتش بدوام / لیک آن شهسوار دوران را. زود پیک اجل گرفت زمام / کنج سان خاک بر سرش کردند. جان او کرد در بهشت مقام» (تصویر ۱۱). سنگ قبر وسط به طول ۱/۷۰ متر است که متأسفانه شکسته و بازخوانی نوشته‌های روی آن امکان‌پذیر نبود.

قبر عبدالله بیگ

قبر عبدالله بیگ (که در تصویر ۴ با شماره ۸ مشخص شده) نیز همانند قبرهای دیگر دارای دو سنگ قبر عمودی و یک سنگ قبر افقی است. سنگ قبر اصلی که ۱۰۵ سانتی‌متر ارتفاع، ۴۴ سانتی‌متر عرض و ۶ سانتی‌متر ضخامت دارد در داخل نقوش هندسی (محراب) سه سطر بدین محتوا: «هذا قبر المرحوم المبرور عبدالله بیگ ابن المغفور احمد بیگ غفرلهمما فی سنه ۱۲۴۹ / سنه ۱۲۴۹» نوشته شده است (تصویر ۱۲).



تصویر ۱۱. تصویر و طرح سنگ قبر محمد رشید بیگ (نگارندگان، ۱۳۹۸). ◀



تصویر ۱۲. تصویر و طرح سنگ قبر عبدالله بیگ (نگارندگان، ۱۳۹۸). ◀

قبر محمد شریف

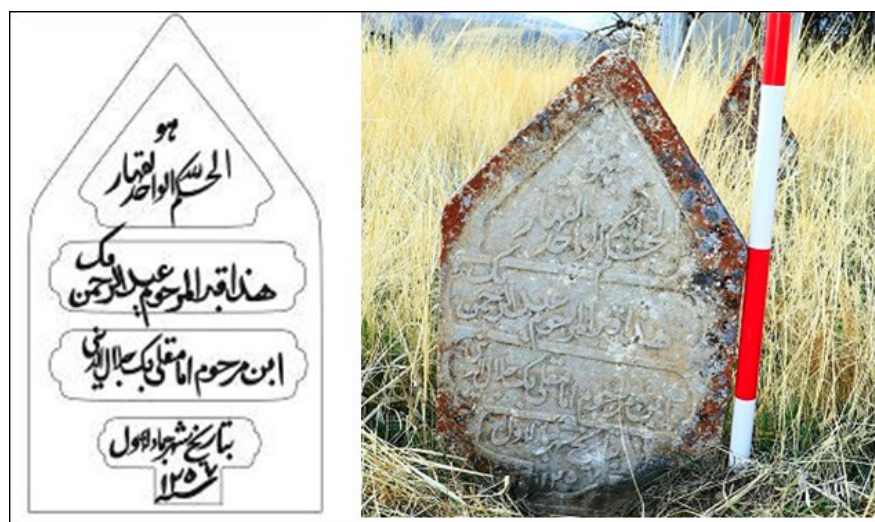
قبر محمد شریف (که در تصویر ۴ با شماره ۹ مشخص شده) بر روی سنگ قبر وی در داخل نقوش هندسی (محراب) این عبارت: «هذا مرقد محمد شریف سنه ۱۲۷۷ ابن میرزا عبدالکریم» که قسمتی از آن ناخوانا گشته نوشته شده است (تصویر ۱۳).



► تصویر ۱۳. تصویر و طرح سنگ قبر محمد شریف بیگ (نگارندگان، ۱۳۹۸).

قبر عبدالرحمن بیگ

قبر عبدالرحمن بیگ (در تصویر ۴ با شماره ۱۰ مشخص شده) که روی سنگ قبر اصلی (ضلع شمالی) آن با ارتفاع ۷۰ سانتی‌متر، عرض ۳۸ و ضخامت ۶ سانتی‌متر در داخل نقوش هندسی (محراب) این چنین نوشته شده: «هو، الحکم الله الواحد القهار، هذا قبر المرحوم عبدالرحمن بیگ ابن مرحوم امامقلی بیگ جلال‌الدین بتاریخ شهر جمادی الاول، سنه ۱۲۵۷» (تصویر ۱۴).



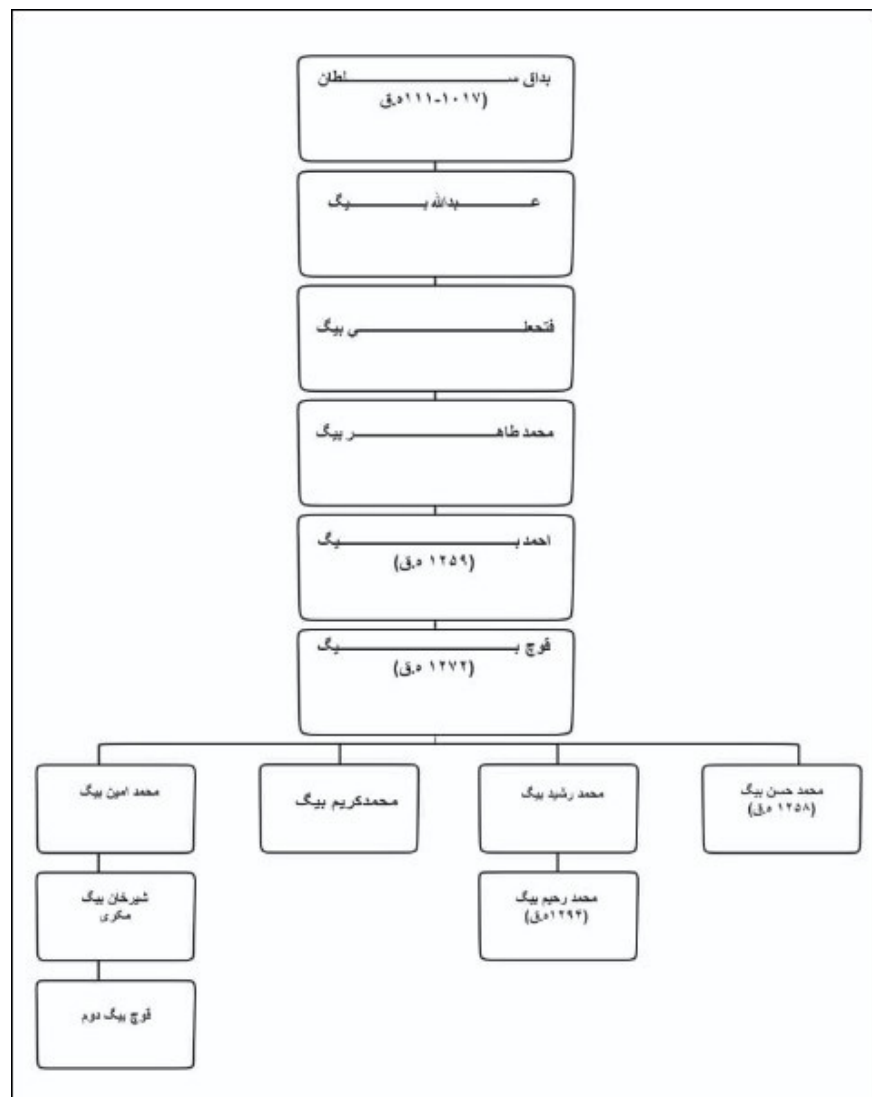
► تصویر ۱۴. تصویر و طرح سنگ قبر عبدالرحمن بیگ (نگارندگان، ۱۳۹۸).

بحث و تحلیل

قبرستان تاریخی روستای ترجان سقز در استان کردستان یکی از مهم‌ترین و بارزترین گورستان‌های منطقه مکریان و ایران است که تاکنون به صورت علمی و در قالب پژوهشی منجسم به آن پرداخته نشده است. نگارندگان در پاییز ۱۳۹۸ ه.ش. موفق به مطالعه و بررسی ۱۰ قبر با سنگ قبرهای فاخر شدند. از مجموع ۱۰ قبر گورستان ترجان ۸ قبر متعلق به قوج بیگ و خاندان ایشان است و دو قبر دیگر که تا حدودی با هفت قبر نخست فاصله دارد، متعلق به اشخاصی است که رابطه سببی و نسبی چندانی با خاندان قوج بیگ ندارند. با توجه به آداب و رسوم تدفین منطقه هر قبر دارای سه سنگ قبر (دو سنگ قبر عمودی در دو طرف و یک سنگ قبر افقی در وسط) است و به احتمال زیاد سنگ قبرهای، گورستان ترجان تا حدود ۳۰ سنگ قبر بوده که تعدادی از آن‌ها در زیر خاک مدفون، بعضی از محل اصلی جابه‌جا و برخی نیز ساده و عاری از هر نقش هستند و به‌طور کلی نگارندگان به مطالعه و بررسی ۱۷ سنگ قبر (متعلق به قبور ۱۰ فرد) پرداختند.

قبرهای خاندان قوج بیگ در دردیف سه و چهارتایی و در کنار هم قرار گرفته‌اند. اولین قبر مورد مطالعه متعلق به شخص احمد بیگ است که با اتکاء بر شجره‌نامه موجود بر سنگ قبرها ایشان، پدر قوج بیگ بوده که در سال ۱۲۵۹ ه.ق. هم‌زمان با حکومت محمدشاه قاجار (۱۲۵۱-۱۲۶۳ ه.ق.) فوت نموده است (شمیم، ۱۳۸۷: ۱۱۸). دومین قبر مربوط به مؤمن بیگ است که در بین قبر احمد بیگ و محمد رحیم بیگ واقع شده است. مؤمن بیگ، پسر «ابوسعید بیگ بابامیری» بوده که در سال ۱۲۶۷ ه.ق. مصادف با حکومت ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ه.ق.) وفات یافته است (شمیم، ۱۳۸۷: ۱۴۳). مؤمن بیگ، پدر نورالنساء همسر قوج بیگ بوده و طبق گفته مینورسکی، بابامیرهای از خاندان صاحب‌منصب مکریان که در آختاچی، یادآباد (یالاوا) و ترجان دارای املاک و زمین بوده‌اند (مینورسکی، ۲۰۰۷: ۱۰۶). سومین قبر در ردیف اول، متعلق به محمد رحیم بیگ است که براساس نوشته سنگ قبرها، وی پسر رشید بیگ و نوه قوج بیگ مکری بوده که هم‌زمان با زمام‌داری ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ه.ق.)، (شمیم، ۱۳۸۷: ۱۴۳) و در سال ۱۲۹۴ ه.ق. به قتل رسیده است. اولین قبر در ردیف دوم از سمت راست به چپ مربوط به نورالنساء خانم است. نورالنساء همسر قوج بیگ و دختر مؤمن بیگ بابامیری بوده؛ براساس کتیبه^۵ مسجد (مدرسه) ترجان به قلم علی‌رضا در سال ۱۲۵۸ ه.ق. هم‌زمان با حکومت محمدشاه قاجار ساختمان مسجد به وسیله نورالنساء بنا گردیده (زارعی، ۱۳۹۲: ۱۴۲) و ایشان جهت اداره بهتر آن اقدام به وقف روستاهای شیلان‌آباد، قافل‌آباد، قازلیان و آسیاب خاتوته می‌کند. نورالنساء معروف به خانمه چکوله (خانم کوچک) از زنان خیر و نیکوکار دربار قوج بیگ بوده که در خدمت به اهل علم و دانش سهم بزرگی داشته، تا جایی که شست‌شوی لباس طلاب علوم دینی را افتخاراً خودش بر عهده گرفته است (افخمی، ۱۳۶۴: ۲۵۰). دومین قبر و در کنار نورالنساء خانم مربوط به محمد رشید بیگ است که براساس نوشته‌ای سنگ قبرها محمد رشید بیگ فرزند قوج بیگ و نورالنسا و پدر محمد رحیم بیگ

بوده و به احتمال زیاد در سنین جوانی فوت نموده است. سومین قبر در ردیف دوم متعلق به شخص قوج بیگ مالک و حاکم ترجان است، و چهارمین قبر نیز مربوط به محمد حسن بیگ است که هنرمند حجار از رباعیات ابوالسعید ابوالخیر و بوستان سعدی بر سنگ قبرهای محمد حسن بیگ استفاده و گاهی آن‌ها را به دلخواه خود تغییر داده است. فی سنه الف و مائین ثمان و خمسين سال (۱۲۵۸ ه.ق.) را نشان می‌دهد که محمد حسین بیگ هم‌زمان با دوره زمامداری حکومت محمد شاه قاجار (۱۲۵۱-۱۲۶۳ ه.ق.) و سال احداث مسجد ترجان فوت نموده است. هشتمین قبر از قبرهای خاندان قوج بیگ متعلق به عبدالله بیگ است و این‌که عبدالله بیگ، فرزند احمد بیگ یا برادر قوج بیگ بوده، مشخص نیست (تصویر ۱۵)؛ تاریخ ۱۲۴۹ ه.ق. هم‌زمان با حکومت فتح‌علی شاه قاجار (۱۲۱۲-۱۲۵۰ ه.ق.)، (شمیم، ۱۳۸۷: ۴۷) نشان می‌دهد که قبر مزبور از کهن‌ترین قبور ترجان است. قبور شماره ۱۰ و ۹ به فاصله زیادی از هشت قبر دیگر مربوط به «محمد شریف» و «عبدالرحمن بیگ»



► تصویر ۱۵. شجره‌نامه خاندان قوج بیگ براساس سنگ‌قبرها (نگارندگان، ۱۳۹۸).

است. تاریخ ۱۲۷۷ بر سنگ قبر محمد شریف نشان می‌دهد که ایشان مصادف با حکومت ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ه.ق.)، فوت کرده است (شمیم، ۱۳۸۷: ۱۴۳)؛ به علاوه، تاریخ ۱۲۵۷ ه.ق. نیز نشان می‌دهد که عبدالرحمن بیگ در سال ۱۲۵۷ ه.ق. و هم‌زمان با حکومت محمدشاه قاجار فوت نموده است (شمیم، ۱۳۸۷: ۱۱۸).

نقش مایه‌های قبور، قبرستان شیخ وسو ترجان را می‌توان به سه گروه: گیاهی (گل و بوته)، هندسی (محراب) و کتیبه‌ای تقسیم‌بندی کرد. نقش‌مایه‌های کتیبه‌ای در سه بخش: سر لوح، متن و حواشی بر سنگ قبرها نقش بسته است. سنگ قبرهای، قبرستان ترجان به لحاظ فرم و نوع تزئینات قابل مقایسه با دیگر قبرستان‌های کُردستان مُکریان است (جدول ۱). خطوط به کار رفته در سنگ قبرهای ترجان به جز یک نمونه، از نوع خط نستعلیق است. گرایش به خط نستعلیق در دوره قاجار و کم‌توجهی به ثلث و دیگر خطوط می‌تواند دلایل گوناگونی داشته باشد که از جمله می‌توان به جذابیت این خط و نیاز جامعه قاجار به امر کتابت اشاره کرد. موضوع دیگر به هویت آن بازمی‌گردد که کاملاً ایرانی است و رگه‌های عربی یا ترکی ندارد و با هجومی که از طرف غرب به ایران شده بود، فرهنگ ایرانی سخت نیاز به تکیه‌گاه محکمی داشت. خط نستعلیق از این نظر پایگاه مطمئنی برای تثبیت جایگاه خود در مقابل سایر خط‌ها بود. موضوع بعد، دور شدن از پایگاه ثلث، یعنی ترکیه بود. در این زمان ایران روابط خوبی با همسایه غربی خود نداشت و مراودات فرهنگی نیز تحت تأثیر این مسأله قرار داشت در نتیجه به کیفیت خط ثلث لطمه زده شد (مکی نژاد، ۱۳۸۷: ۳۷). معرفی شخص متوفی به همراه سال وفات و ابیاتی از شاعران بزرگ ایران هم‌چون: سعدی، ابوالسعید ابوالخیر و جامی مضمون کتیبه‌ای سنگ قبرهای قبرستان ترجان را تشکیل می‌دهند که بدون شک وجود مسجد (مدرسه) ترجان و حضور مدرسان و طلاب در آشنایی هنرمندان حجار نقش مهمی داشته است.

نتیجه‌گیری

«ترجان» نام یکی از روستاهای شهرستان سقز و استان کُردستان در میانه راه مُکریان و اردلان است. با به قدرت رسیدن بوداق سلطان بر ولایت مُکریان به مرکزیت مهاباد کنونی (ساوجبلاغ سابق) در اواخر دوره صفویه هم‌زمان با حکومت «شاه سلیمان» صفوی (۱۱۰۵-۱۰۷۷ ه.ق.) ایشان اقدام به نشان دادن حاکمانی از خاندان خود بر بخش‌های از ولایت مُکریان، از جمله: بوکان، سردشت و ترجان می‌کند. به دلیل نبود مطالعه منسجم و جامع از دوره بوداق سلطان تا فتحعلی شاه قاجار در ارتباط با ترجان اطلاعات چندانی در دست نیست. شواهد و مدارک نوشتاری نشان می‌دهد که مناطق اطراف روستای ترجان به دلیل وقف کردن زمین‌های کشاورزی آن برای ادامه حیات دارالعلم مسجد سرخ مهاباد در اواخر دوره صفویه از اهمیت و اعتبار زیادی برخوردار بوده است؛ آن‌چه که براساس یافته‌های نوشتاری در ارتباط با روستای ترجان روشن است این است که بوداق سلطان یکی از فرزندان خود به نام

جدول ۱. مطالعه تطبیقی نقشمایه سنگ‌قبرهای، قبرستان ترجان با دیگر آثار فرهنگی منطقه (نگارندگان، ۱۳۹۹). ▼

ردیف	قبرستان مورد مطالعه	مورد مقایسه	تصویر مورد مقایسه	قدمت بنا یا اثر	مأخذ
۱	قبرستان ترجان	قبرستان پیربادین بوکان		قاجاریه	نگارندگان، ۱۳۹۷
۲	قبرستان ترجان	قبرستان حاجی کند (سمت راست) و ارمنی بلاغی بوکان (سمت چپ)		همان	همان
۳	قبرستان ترجان	سنگ قبرهای روستای حمامیان (سمت راست) و چهار دیوار بوکان (سمت چپ)		قاجاریه	معروفی اقدم، ۱۳۹۹: ۳۳۲
۴	قبرستان ترجان	سنگ قبر قره‌بلاغ (سمت راست) و قرخلو تکاب (سمت چپ)		همان	همان: ۳۳۴

«عبدالله بیگ» را به عنوان حاکم ترجان انتخاب می‌کند. بعد از عبدالله بیگ دیگر خاندان وی از جمله: احمد بیگ، قوج بیگ، محمد امین بیگ و شیرخان بیگ مکرری با اتکاء بر منابع نوشتاری و شواهد باستان‌شناختی به مدت چندین سده مالکیت روستای ترجان را بر عهده داشته‌اند. از زمام‌داری عبدالله بیگ تا قوج بیگ مکرری بر ترجان و مناطق اطراف آن اطلاعات چندانی در دست نیست، اما شواهد تاریخی و باستان‌شناختی نشان می‌دهد که قوج بیگ از مقتدرترین و به نام‌ترین مالکان ترجان بوده که در ترجان آن روزگار به کمک همسر خیر و نیکوکار خود به نام نورالنساء خانم اقدام به بنا نهادن مرکز فرهنگی، کاریز و عمارت اربابی بر بالای محوطه باستانی آن می‌کند. در نتیجه، ترجان به عنوان بخش اداری مهمی از ساوجبلاغ عصر قاجاریه در منطقه مکرریان اهمیت پیدا می‌کند؛ هرچند که روستای ترجان به دلیل قرار نگرفتن در مسیر ارتباطی مهم، نتوانست همانند روستای بوکان مسیر رشد و توسعه را طی کند و در نتیجه در قالب همان روستا یا قریه باقی ماند. به علاوه، اصلاحات اراضی در دوره پهلوی و هدف قراردادن وقفیات مسجد ترجان به مرور از اهمیت و اعتبار مسجد و روستای ترجان کاست.

قبرستان تاریخی شیخ وسو در روستای ترجان یکی از مهم‌ترین قبرستان‌های قاجاری استان کردستان است که در مجموع دارای ۱۷ سنگ قبر (متعلق به ۱۰ فرد) با نقش‌مایه‌های کتیبه‌ای، گیاهی و هندسی است. در میان ۱۰ نفر متوفی در قبرستان ترجان دو قبر متعلق به عبدالرحمن بیگ، فرزند امام قلی بیگ، جلال‌الدین و محمد شریف نسبت سببی چندانی با ۸ متوفی دیگر و از جمله خاندان قوج بیگ ندارند. سنگ قبرهای قبرستان شیخ وسو به شکل مخروطی از سه قسمت: سرلوح، متن و حواشی با نقش‌مایه‌های هندسی (محراب)، گیاهی (گل و بوته) و کتیبه‌ای تزئین شده‌اند که قابل مقایسه با نمونه‌های روستای پیربادین، ارمنی بلاغی، حاجی‌کند بوکان و گردیگلان سقز و تزئینات معماری منطقه مورد مطالعه است. هنرمندان حجار ترجانی از سنگ‌های معدنی تراورتن در ساخت سنگ قبرها استفاده کرده‌اند و همانند دیگر نقاط ایران جهت پندآموزی و عبرت‌اندوزی از اشعار شاعرانی هم‌چون: ابوالسعید ابوالخیر، سعدی و جامی بهره گرفته‌اند. بر روی سنگ قبرهای اشخاصی مانند قوج بیگ و محمد رشید بیگ اشعاری نوشته شده که به احتمال زیاد توسط شاعران محلی و دربار قوج بیگ نوشته شده باشند. به طور کلی با اتکاء بر مطالعات صورت‌گرفته بر روی سنگ قبرهای ترجان و شواهد نوشتاری می‌توان نتیجه گرفت که ترجان از اواخر عصر صفوی به دلیل داشتن موقعیت سرحدی بین کردستان مکرریان و اردلان اهمیت سیاسی و نظامی یافت و بعدها در دوره قاجاریه با احداث مرکز فرهنگی هم‌چون مسجد (مدرسه) و حضور مولانا قزلبی به عنوان منتقدترین روحانی آن روزگار در کردستان، اهمیت مذهبی یافت. وجود قبرهایی با پایگاه اجتماعی متفاوت حاکی از فاصله طبقاتی جامعه ترجان در دوره قاجاریه است، ضمن آن‌که وجود گورهایی از خاندان شناخته شده قوج بیگ در این مکان، نشان از اهمیت ترجان در دوره قاجاری دارد.

سپاسگزاری

در پایان از دوستان گران‌قدر جناب آقایان دکتر ایرج رضایی و حسین صبری به سبب مساعدت در بخش کتابخانه‌ای موضوع مورد مطالعه، صمیمانه سپاسگزاری می‌شود.

پی‌نوشت

- اصطلاح «مُکری» یا «مُکریان» عنوانی است که توسط مورخان و نویسندگان قرون متأخر اسلامی و سیاحان و جهان‌گردان خارجی به مناطق جنوب دریاچه ارومیه اطلاق شده است (بدلیسی، ۱۸۶۰؛ روحانی، ۱۳۸۲؛ دمورگان، ۱۳۳۹؛ نیکیتین، ۱۳۶۶؛ Rawlinson, 1840; Bishop, 1891; Ker Porter, 1822). به‌طور کلی جغرافیای مُکریان شامل: جنوب و جنوب‌غرب استان آذربایجان غربی و بخش محدودی از استان کُردستان، شامل شهرهای مهاباد، بوکان، اشنویه، پیرانشهر، نقده، میاندوآب، شاهین‌دژ، تکاب و قسمت کوچکی از سقز به مرکزیت مهاباد (ساوجبلاغ سابق) است (روژبانی، ۱۳۸۱: ۳۱).
- مهاباد که در گذشته «ساوجبلاغ مُکری» و به زبان مردم بومی «سابلاغ» نامیده می‌شد، در سال ۱۳۱۶ ه.ش. هم‌زمان با تعویض نام بسیاری از شهرهای ایران به «مهاباد» تغییر نام داد (نوحه‌خوان، ۱۳۹۱: ۱۱۸). پیشنهاد این اسم در سال ۱۳۱۵ ه.ش. به وسیله «رشید یاسمی» (استاد دانشگاه تهران) صورت‌گرفت (صمدی، ۱۳۷۳: ۱۳۰).
- نوعی پارچه که در تولید لباس کُردی به نام «رانک و جوغه» به کار می‌رود. پارچه بوزو از پشم بزهای که در اصطلاح محلی «مه‌رهز» نامیده می‌شوند، به دست می‌آید. بوزو پارچه‌ای است که پهنای آن حداکثر ۱۰ سانتی‌متر و درازای آن به چند متر می‌رسد. این لباس در صورتی که خوب و کامل دوخته شود، بسیار شکیل و جالب است (تابانی، ۱۳۴۵: ۱۱۲).
- ترجمه فارسی آن چنین است: «ای کسی که از باطن انسان باخبری و همه چیز را می‌شنوی / ای کسی که برآورنده هر آرزویی / ای کسی که در همه سختی‌ها، امید مردمی / ای که همه مردم به تو شکایت می‌کنند و به تو پناه می‌برند و با اظهار فقر به درگاه تو، فقر را از خود دور می‌کنم / و جز کوبیدن درب خانه تو چاره‌ای ندارم / حاشا که تو گنهکار را از در خانه‌ات نا امید کنی / چرا که رحمت و موهبت تو بسیار است».
- این کتیبه در ابتدا بر روی درب ورودی ضلع شمالی نصب شده بود، اما بعدها آن را از جای اصلی خود برداشته و با توقیف آن مدتی هم در پاسگاه نظامی روستای ترجان بود. مضمون کتیبه چنین است: «به توفیق جناب حی مطلق / ز فیض خالق نه طاق ازرق / پی طاعت یکی مسجد بنا کرد / که مثل او نباشد هیچ جوسق / شده (نورالنسا) خانم علم‌زان / که نور نوع نسوان است رونق / یکی بانوی با فر و سعادت / که هست از بانوان عصر الیق / بود اندر حریم قوچ بیگ او / مهین بانوی شیرین کار الحق / بود هر دم شریعت را موافق / همه شغلش طریقت را محقق / بود در عقل چون سته زبیده / بود چون رابعه در این موفق / بدل در کار بیزدان سعی کرده / بجان در بحر احسان رانده زورق / ز تعریفش زبان مدح کوتاه / بود عاجز ز وصف او فرزادق / چو کرد اتمام آن فرخنده مسجد / به سعی عاجل غیر معوق / برای سال تاریخش خرد گفت / جزای مجد خاتون یابد از حق / الحجار علی‌رضا سال ۱۲۵۸ ه.ق.» (افخمی، ۱۳۶۴: ۲۵۰).

کتابنامه

- احمدی، عباسعلی؛ شاطری، میترا؛ و رحیمی، کاوه، ۱۳۹۴ الف، «بررسی محتوا و تزئینات کتیبه حمام خان سنندج و مسجد روستای ترجان». کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های کاربردی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری، صص: ۱۲-۱.
- احمدی، عباسعلی؛ شاطری، میترا؛ و رحیمی، کاوه، ۱۳۹۴ ب، «بازنمود معماری ایرانی-اسلامی در مساجد دوره قاجار شهر سقز (مطالعه موردی مساجد دومنار، شیخ مظهر و مسجد ترجان)». سومین کنگره بین‌المللی عمران، معماری و توسعه شهری، صص: ۱۳-۱.
- آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کردستان، ۱۳۸۱، گزارش ثبتی آثار: سنندج.
- افخمی، ابراهیم، ۱۳۷۳، تاریخ فرهنگ و ادب مُکریان (مهاباد و سردشت و اشنویه). سقز: محمدی، چاپ اول.
- افخمی، ابراهیم، ۱۳۶۴، تاریخ فرهنگ و ادب مُکریان (بوکان). سقز: محمدی، چاپ اول.

- بدلیسی، شرف‌الدین بن شمس‌الدین، ۱۸۶۰، شرفنامه. به‌کوشش: محمد علی‌عونی، مصر: انتشارات فرج‌الله ذکی‌الگردی.
- تابانی، حبیب‌الله، ۱۳۴۵، بررسی اوضاع طبیعی، اقتصادی و انسانی کردستان در نمونه کردستان مکری. تهران: وثوق، چاپ اول.
- ترجانی‌زاده، احمد، ۱۳۳۵، «دارالعلم ترجان». سالنامه فرهنگ مهاباد. تبریز: شفق تبریز، جلد دوم، چاپ اول.
- تورجانی، شیرکو، ۱۳۹۸، «تورجان». ماهنامه اجتماعی، فرهنگی، ادبی مهاباد، سال ۱۹، شماره ۲۰۹، صص: ۴۶-۵۰.
- حسن‌زاده، شهرام، ۱۳۹۶، «معرفی نسخه خطی فواید فرخیه در قواعد نحویه نوشته ملاعبده‌الله جوانشیری مشهور داغستانی». فصلنامه اسناد و نسخه‌های خطی مناطق گردنشین کشکول، سال ۲، شماره ۳، صص: ۷۲-۷۸.
- خادم‌زاده، محمدحسن؛ معماریان، غلامحسین؛ و صلواتی، کامیار، ۱۳۹۶، «گونه‌شناسی تحلیلی مساجد تاریخی حوزه فرهنگی کردستان ایران». دو فصلنامه معماری ایران، سال ۶، شماره ۱۱، بهار و تابستان، صص: ۱۲۴-۱۰۳.
- دمورگان، ژاک، ۱۳۳۹، جغرافیا غرب ایران. مترجم: کاظم ودیعی، تبریز: انتشارات شفق تبریز.
- رزم‌آرا، علی، ۱۳۳۰، فرهنگ جغرافیایی ایران (آبادی‌ها). تهران: دایره جغرافیایی ستاد ارتش، جلد چهارم.
- روحانی، بابامردوخ، ۱۳۸۲، تاریخ مشاهیر کرد (أمرآ و خاندان‌ها). به‌کوشش: محمد ماجد مردوخ روحانی، تهران: انتشارات سروش.
- روزبانی، محمدجمیل، ۱۳۸۱، فرمانروایان مکریان در کردستان. مترجم: شهباز محسنی، تهران: نشر آنا.
- زارع‌فر، فاتح، ۱۳۹۷، «بررسی الگوهای استقراری و نوسانات جمعیتی حوضه سیمینه رود شهرستان بوکان». رساله کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران، به‌راهنمای حسن فاضلی‌نحلی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه باستان‌شناسی، (منتشر نشده).
- زارعی، محمدابراهیم، ۱۳۹۲، آثار فرهنگی، باستانی و تاریخی استان کردستان. تهران: سبحان نور، چاپ اول.
- زارعی، محمدابراهیم، ۱۳۸۱، سیمای میراث فرهنگی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- سلیمی، اسماعیل؛ و صلح‌جو، جمیله، ۱۳۹۷، «بررسی و معرفی مسجد روستای ترجان سقز». فصلنامه علمی-تخصصی باستان‌شناسی ایران، دانشگاه آزاد واحد شوشتر، دوره ۸، شماره ۱، صص: ۷۸-۹۶.
- شافعی، جلال‌الدین، ۱۳۷۸، جغرافیا تاریخی کردستان. تهران: انتشارات ن و القلم، چاپ اول.
- شمیم، علی‌اصغر، ۱۳۸۷، ایران در دوره سلطنت قاجار (قرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم). تهران: بهزاد.

- صمدی، سید محمد، ۱۳۷۳، تاریخ مهاباد. مهاباد: رهرو، چاپ اول.
- محمودنژاد، منصور، ۱۳۹۷، «مسجد تاریخی روستای ترجان». دو ماهنامه فرهنگی، اجتماعی به‌یمن، سال ۱، شماره ۲، صص: ۷۲-۷۱.
- معروفی‌اقدام، اسماعیل، ۱۳۹۹، «مطالعه و گونه‌شناسی سنگ‌قبرهای دوران اسلامی حوزه جغرافیایی موکریان شرقی»، رساله دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، به‌راهنمایی کریم حاجی‌زاده، (منتشر نشده).
- مکی‌نژاد، مهدی، ۱۳۸۷، تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی تزئینات معماری. تهران: سمت.
- مینورسکی، فلاذیمر، ۲۰۰۶، مینورسکی و کورد. وه‌رگیرانی نه‌نوه‌ری سولتانی، چاپخانه وه‌زاره‌تی په‌روه‌ده، چاپی دووه‌م.
- مینورسکی، فلاذیمر، ۲۰۰۷، بنچینه‌کانی کورد و چهند و تاریکی کوردناسی. وه‌رگیرانی نه‌جاتی عه‌بدوللا، بلاوکراوه مه‌کتبی بیرو وه‌وشیاری: سلیمانیه، جلد اول، چاپ اول.
- نوحه‌خوان، حامد، ۱۳۹۱، «معیارهای تقسیمات کشوری در دوره پهلوی». خردنامه، سال ۴، شماره ۹، صص: ۱۱۸.
- نیکیتین، واسیلی، ۱۳۶۶، گرد و گردستان. مترجم: محمد قاضی، تهران: انتشارات نیلوفر.
- یوسفی، عثمان؛ و خلیلی، سیامند، ۱۳۹۵، «بررسی نقش بوداق سلطان موکری (۱۰۱۷-۱۱۱۱ ق.) در تاریخ ولایت موکری در دوره پایانی صفویه». پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، سال ۵، شماره ۱، صص: ۲۱۳-۲۳۸.

- Afkhami, E., 1984, *History of Mukrian culture and literature* (Buchan). Saqez: Mohammadi, first edition (In Persian).

- Afkhami, E 1994, *History of Culture and Literature of Mokrian* (Mahabad, Sardasht and Oshnoyeh). Saqez: Mohammadi, first edition (In Persian).

- Ahmadi, A. A.; Shateri, M. & Rahimi, K., 2015 A, "Study of the content and decorations of the inscription of Sanandaj Bath and the mosque of Turjan village". *International Conference on Applied Research in Civil Engineering, Architecture and Urban Management*, Pp: 12 -1 (In Persian).

- Ahmadi, A. A.; Shateri, M. & Rahimi, K., 2015 B, "Representation of Iranian-Islamic architecture in the mosques of the Qajar period in Saqez (a case study of the mosques of Domenar, Sheikh Mazhar and the mosque of Tarjan)". *Third International Congress of Civil Engineering, Architecture and Urban Development*, Pp: 13-1 (In Persian).

- Archive of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Organization of Kurdistan Province, 2002, "Registration report of works". Sanandaj (In Persian).

- Badlisi, Sh. al-Din ibin Shams al-Din, 1860, *Sharafnameh*. by: Mohammad Ali Aouni, Egypt: Farajullah Zaki Al-Kurdi Publications (In Persian).
- Bishop, I., 1891, *Journeys in Persia and Kurdistan*. Publishers: JOHN MURRAY -VOL, Vol. II, London.
- Demorgan, J., 1959, *Geography of Western Iran*. Translator: Kazem Vadiei, Tabriz: Shafaq Publications (In Persian).
- Hassanzadeh, Sh., (2016), "Introduction of the manuscript of Farrokhieh's benefits in the syntactic rules written by the famous Daghestani Mullah Abdullah Javanshiri". *Quarterly Journal of Documents and Manuscripts of the Kurdish regions of Kashkul*, Vol. 2, No 3, Pp: 72-78 (In Persian).
- Ker Porter, S. R., 1822, *Travels in Georgia, Persia, Armenia, Ancient Babylonia*. Vol.1, London: printed for Longman, Hurst, Rees, Orme, and Brown.
- Khademzadeh, M. H.; Memarian, Gh. H. & Salavati, K., 2016, "Analytical Typology of Historical Mosques in the Cultural Area of Kurdistan of Iran". *Iranian Journal of Architecture*, Vol. 6, No. 11, Spring and Summer, Pp: 124-103 (In Persian).
- Mahmoud Nejad, M., 2017, "Historical Mosque of Tarjan village". *Bahyan Cultural and Social Monthly*, Vol. 1, N. 2, Pp: 72-71 (In Persian).
- Makinejad, M., 2008, *History of Iranian Art in the Islamic Period of Architectural Decorations*. Tehran: Samat (In Persian).
- Maroofi Aghdam, E., 2019, "Study and typology of tombstones of the Islamic era in the geographical area of Eastern Mokrian". PhD thesis in archeology, Mohaghegh Ardabili University, under the guidance of Karim Hajizadeh (In Persian).
- Minorsky, F., 2006, *Minorsky and the Kurds, editions of the Sultanate Art, Enlarged Printing House and Millennium*. Second Edition (In Persian).
- Minorsky, F., 2007, *The fundamentals of the Kurds and some of the darkness of Kurdish studies, and the directional implications of Abdullah's time*. The scholarly publication of Beer and Awareness: Sulaymaniyah, Volume One, First Edition (In Persian).
- Nikitin, V., 1987, *Kurds and Kurdistan*. Translator: Mohammad Ghazi, Tehran: Niloufar Publications (In Persian).
- Noheh Khan, H., 2011, "Criteria of divisions of the country in the Pahlavi period". *Microcontrol*, Vol. 4, No. 9, Pp: 118 (In Persian).
- Rawlinson, H. C., 1840, "Notes on Journey from Tabriz, through

Persian Kurdistan, to the Ruins of Takhti- Soleiman, and fram Thence by Zenjan and Tarom, to Gilan, in October and November”, 1838; With a Memoir on the Site of the Atropatenian Ecbatana”. Journal of the Royal Geographical Society of London, Vol. 10, Pp: 1- 64.

- Razmara, A., 1950, *Geographical Culture of Iran (settlements)*. Tehran: Geographical Department of the Army Headquarters, Vol. IV (In Persian).

- Rojbiani, M. J., 2002, *The Rulers of Mokrian in Kurdistan*. Translator: Shahbaz Mohseni, Tehran: Anna Publishing (In Persian).

- Rouhani, B., 2003, *History of Kurdish celebrities (oms and families)*. by: Mohammad Majed Marduk Rouhani, Tehran: Soroush Publications (In Persian).

- Salimi, E. & Solhjoo, J., 2017, “Study and introduction of the mosque of Tarjan village of Saqez”. *Iranian Journal of Archeology - Shushtar Branch*, Vol. 8, No. 1, Pp: 96-78 (In Persian).

- Samadi, S. M., 1994, *History of Mahabad*. Mahabad: Rahro, first edition (In Persian).

- Shafei, J., 1999, *Historical Geography of Kurdistan*. Tehran: N and Al-Qalam Publications, First Edition (In Persian).

- Shamim, A. A., 2008, *Iran during the Qajar Dynasty (13th century and the first half of the 14th century)*, Tehran: Behzad (In Persian).

- Tabani, H., 1965, *A Study of the Natural, Economic and Human Situation of Kurdistan in the Sample of Mukri Kurdistan*. Tehran: Vosough, First Edition (In Persian).

- Tarjanizadeh, A., 1955, *Darjan Alam Turjan*. Mahabad Culture Yearbook, Tabriz: Shafaq Tabriz, Vol. 2, First Edition (In Persian).

- Turjani, Sh., 2018, “Turjan”. *Mahabad Social, Cultural, Literary Monthly*, Vol. 19, No. 209, Pp: 50-46 (In Persian).

- Yousefi, O. & Khalili, S., 2016, “Study of the role of Sultan Mukri’s Budaq (1117-1017 AH) in the history of Mukri province in the last Safavid period”. *Journal of Local Histories of Iran*, Vol. 5, No 1, Pp: 213-238 (In Persian).

- Zarefar, F., 2015, “Study of settlement patterns and demographic fluctuations in the Siminehroud Basin of Buchan County”. Master Thesis in Archeology, University of Tehran, under the guidance of Hassan Fazeli Nashli, Faculty of Literature and Humanities, Department of Archeology, published (In Persian).

- Zarei, M. E., 2001, *Cultural Heritage TV*. Tehran: Cultural Heritage Organization (In Persian).

- Zarei, M. E., 2012, *Cultural, archeological and historical works of Kurdistan province*. Tehran: Sobhan Noor, first edition (In Persian).
- تاریخ دسترسی ۲۰۲۰/۱۰/۶ :www.harvard.edu